



Jurisprudential Investigation of Commercialization of Egg Donation

Maliheh Sadat Hoseyni¹, Ahmadreza Khazaei^{2*}, Ebrahim Yaqouti³

1. PhD Student Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 131-144

Article history:

Received: 11 Aug 2022

Edition: 20 Sep 2022

Accepted: 28 Nov 2022

Published online: 10 Jan 2023

Keywords:

Egg Donation, Commercialization, Ownership Relationship, Human Dignity, Customary Ownership

Corresponding Author:

Ahmadreza Khazaei

Address:

Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-3137-0496

Tel:

09124354998

Email:

dr.khazaei46@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In order to solve the problem of infertility, many treatment methods are used today, including egg donation. Modern fertility methods, however, have many jurisprudential, legal, and ethical aspects that have always been the subject of debate. In this paper, an attempt is made to jurisprudentially investigate the purchase and sale, and more precisely, commercialization of egg donation.

Materials and Methods: This paper is descriptive and analytical and library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are observed.

Results: Findings of the research indicate that based on the inference from the point of view of jurists, there is a disagreement in jurisprudence regarding the purchase and sale of eggs. The conflict with the principle of human dignity, the lack of ownership relationship between the individual and the egg, and the lack of customary ownership are some of the reasons for opposing the purchase and sale of eggs. Rules such as the principle of man's sovereignty over himself, removing distress and constriction in the lives of some couples, the necessity of doing good deeds, and the presumption of innocence can also be cited as reasons for agreement.

Conclusion: The reasons for agreement are not considered to mean the acceptance of egg commercialization. In fact, egg transfer is accepted and defensible in the form of donation, which is different from what commercialization suggests. Egg donation is an intermediate solution between the absolute prohibition of egg transfer on the one hand and the permission to buy, sell, and commercialize eggs on the other hand. In this intermediate solution, both the issue of distress and constriction is resolved and buying and selling does not take place in the sense of commercialization, which violates the principle of human dignity.

Cite this article as:

Hoseyni MS, Khazaei AR, Yaqouti E. Jurisprudential Investigation of Commercialization of Egg Donation. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(4):131-144.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

بررسی فقهی تجاری سازی اهداء تخمک

ملیحه سادات حسینی^۱، احمدرضا خزایی^{۲*}، ابراهیم یاقوتی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: برای رفع مشکل ناباروری امروزه از روش‌های درمان متعددی از جمله اهدای تخمک استفاده می‌شود. روش‌های نوین باروری اما دارای ابعاد فقهی، حقوقی و اخلاقی مختلفی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده به بررسی فقهی خرید و فروش و به عبارت دقیق‌تر تجاری‌سازی اهدای تخمک پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی است بر اساس استنباط از دیدگاه فقها، در فقه در خصوص خرید و فروش تخمک اختلاف نظر وجود دارد. تعارض با اصل کرامت انسانی، فقدان رابطه مالکیت میان فرد و تخمک و فقدان مالیت عرفی از دلایل مخالفت با خرید و فروش تخمک است. قواعدی چون اصل سلطنت انسان بر خود، رفع عسر و حرج در زندگی برخی زوجین، ضرورت انجام کار خیر و اصل برائت نیز به عنوان دلایل موافقت قابل استناد است.

نتیجه: دلایل موافقت به معنای پذیرش تجاری‌سازی تخمک قلمداد نمی‌شود. در واقع، انتقال تخمک به صورت اهدای آن پذیرفته شده و قابل دفاع است و این با آنچه از تجاری‌سازی به ذهن متبادر می‌شود، متفاوت است. اهدای تخمک راه حل میانه‌ای میان ممنوعیت مطلق انتقال تخمک از یک سو و جواز خرید و فروش و تجاری‌سازی تخمک از سوی دیگر است. در این راهکار میانه، هم بحث عسر و حرج رفع می‌شود و هم خرید و فروش به معنای تجاری‌سازی که مغایر اصل کرامت انسانی است صورت نمی‌گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۴-۱۳۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

واژگان کلیدی:

اهدای تخمک، تجاری‌سازی، رابطه مالکیت، کرامت انسانی، مالیت عرفی

نویسنده مسوول:

احمدرضا خزایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۳۵۴۹۹۸

کد ارکید:

0000-0003-3137-0496

پست الکترونیک:

dr.khazaei46@yahoo.com

۱. مقدمه

شیوه‌های جدید کمک‌باروری، امکان باروری بدون رابطه جنسی از طریق اهداء اسپرم، تخمک و یا اجاره رحم فراهم ساخته است. این فناوری‌ها و راهکارهای جدید باعث ایجاد سرفصل‌های جدیدی در فقه شده و سؤالاتی را پیش‌روی علماء مذهبی قرار داده است. با توجه به این‌که طی سال‌های اخیر در حیطه اهداء اسپرم و تخمک از لحاظ فناوری و پزشکی پیشرفت‌های قابل توجهی در کشور رخ داده و در عین حال ناباروری طبیعی در بسیاری موارد به مشکل اساسی زوج‌ها تبدیل شده و گرایش به استفاده از روش‌های نوین باروری از جمله اهداء تخمک زیاد است لذا تبیین فقهی اهداء تخمک ضروری به نظر می‌رسد. موضوع وقتی چالش‌برانگیز می‌شود که بحث خرید و فروش تخمک به میان می‌آید. اینکه اهداء تخمک در قبال دریافت هزینه از نظر فقهی مشروعیت دارد یا خیر؟ بحثی چالشی که تجاری‌سازی به معنای خرید و فروش تخمک در بطن آن نهفته است. از یک‌سو خرید و فروش تخمک همسو با اصل احترام به استقلال فرد (اتونومی) دهنده تخمک است و جبران اقدام دهنده تخمک از طریق پرداخت هزینه مطابق با اصل عدالت و انصاف است و از سوی دیگر پرداخت پرداخت پول در ازای اهداء تخمک، می‌تواند باعث استثمار و بهره‌برداری سوء از دهندگان شود؛ به‌طوری‌که دهندگان صرفاً به‌منظور حل مشکلات مالی خود، به عوارض روحی و جسمی فرآیند اهدای جنین توجه چندانی نکنند. در واقع ممکن است در بستر تجاری‌سازی اهداء تخمک،

اهدانندگان تخمک به‌منظور دریافت پول، در برخی زمینه‌ها واقعیت‌های مربوط به سوابق سلامت خود را کتمان نمایند که خطراتی برای کودکان آینده به دنبال داشته باشد. همین امر قطعاً طرح دیدگاه‌های مختلفی به دنبال دارد که محل بحث و اختلاف‌نظر است. بر این اساس، مسلم است که لزوم آگاهی و دانش ویژه در ابعاد فقهی و مشروعیت موضوع اهداء تخمک ضرورت دارد. تألیفات متعددی در زمینه روش‌های نوین بارداری و اهداء تخمک انجام شده است: محمود عباسی و راحله رضایی، در مقاله‌ای به بررسی مطالعه تطبیقی اهدای جنین از منظر فقه و حقوق پزشکی پرداخته است (عباسی و رضایی، ۱۳۹۱). صدیقه مهدوی کنی، عاطفه ذبیحی بیدگلی و سمیه حمزه خانی، نیز در مقاله‌ای حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین را از منظر فقهی حقوقی بررسی کرده است (مهدوی کنی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین رضا کردی، در مقاله‌ای قانون و آیین‌نامه نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور خلأهای قانون‌گذاری آن را بررسی کرده است (کردی، ۱۳۹۴). در تألیفات انجام شده به بررسی اهدای جنین و مسائلی حقوقی آن نظیر ارث پرداخته شده است اما خرید و فروش تجاری‌سازی اهدای تخمک مورد توجه و بررسی قرار نگرفته و نوآوری مقاله حاضر تبیین همین موضوع است. سؤال مهمی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که رویکرد فقه در خصوص دریافت پول در ازای اهدا تخمک و فراتر از آن خرید و فروش و به‌عبارت دقیق‌تر، تجاری‌سازی اهدا تخمک چیست؟

به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا ادله مخالفان بررسی شده و در ادامه از ادله موافقان خرید و فروش و تجاری‌سازی تخمک بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاکی است بر اساس استنباط از دیدگاه فقها، در فقه درخصوص خرید و فروش تخمک اختلاف نظر وجود دارد. تعارض با اصل کرامت انسانی، فقدان رابطه مالکیت میان فرد و تخمک و فقدان مالیت عرفی از دلایل مخالفان خرید و فروش تخمک است. موافقان نیز به قواعدی چون اصل سلطنت انسان بر خود، رفع عسر و حرج در زندگی برخی زوجین، ضرورت انجام کار خیر و اصل براءت استناد می‌کنند.

۵. بحث

۵-۱. ادله مخالفان خرید و فروش و تجاری‌سازی

تخمک

قبل از هر چیز لازم به ذکر است که تجاری‌سازی به معنی به‌کارگیری روش‌های کسب و کار به‌منظور سود است. امروزه، راهکار ورود به دنیای کسب و

کار، فن‌آوری است و کلید فن‌آوری، تجاری‌سازی و ارزش‌افزوده ناشی از آن است. تجاری‌سازی، فرآیند تبدیل فن‌آوری‌های جدید به محصولات موفق تجاری است و دربرگیرنده آرایه‌های مختلفی از فرآیندهای مهم فنی، تجاری و مالی است که باعث تبدیل فن‌آوری جدید به محصولات یا خدمات مفید می‌شود. این فرآیند شامل فعالیت‌هایی از قبیل ارزیابی بازار، طراحی محصول، مهندسی تولید، مدیریت حقوق مالکیت معنوی، توسعه راهبرد بازاریابی، افزایش سرمایه و آموزش افراد می‌شود. در مبحث حاضر ادله مخالفان بیع و تجاری‌سازی تخمک بررسی می‌شود.

۵-۱-۱. مغایرت با کرامت انسانی

برخی با این استدلال که انسان دارای کرامت بوده و فروش تخمک با کرامت وی در تعارض است، قائل بر عدم جواز فروش تخمک انسان هستند (ابن احمد، ۱۴۲۷، ۱۵۵). و در این خصوص آیه ۷۰ سوره اسراء مورد استناد است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: «ما فرزند آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را بر مرکب‌های آبی و صحرايي سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی‌شان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم، آن هم چه برتری». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده‌اند: «مقصود از تکریم اختصاص دادن انسان به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد... و خلاصه اینکه بنی‌آدم در میان سایر موجودات عام، از یک ویژگی و خصیصه‌ای برخوردار گردیده و به همان

اعضای آدمی را مورد تکریم و مصون از تعرض شناخته است و تخمک نیز جزئی از آن کل را تشکیل می‌دهند و همچنان که واگذاری کلیت بدن جایز نیست، واگذاری و انتفاع از تخمک نیز صحیح نخواهد بود (میرهاشمی، ۱۳۸۵، ۵۵). لزوم احترام به انسان و حفظ حرمت انسانی ایجاب می‌کند که نه خود فرد و نه دیگران عملی را انجام بدهند که باعث بی‌احترامی به انسان و هتک حرمت وی شود. جلوه‌های این نگرش در نظم عمومی و اخلاق حسنه ظاهر شده و موجب محدودیت آزادی قراردادی و بطلان معاملات خرید و فروش تخمک می‌شود (فیضی طالب، ۱۳۸۸، ۷۳-۷۲). اما در پاسخ به نظرات ارائه شده باید گفت که با توجه به تفسیر به عمل آمده از مفاد آیه، چنین برداشتی صحیح نمی‌باشد. زیرا، در بسیاری از موارد اهداء تخمک، در پرتو احسان و ایثار انجام می‌شود. هرچند جنبه مادی آن اهمیت و ارزش دارد. اما بعد مالی در مرتبه بعدی اهمیت قرار داشته و احسان صورت گرفته به کرامت انسان خدشه وارد نمی‌کند، زیرا فرض موضوع این است که انسان به‌طور آگاهانه و با اختیار، تخمک خود را برای بهبود زندگی انسانی دیگر، در اختیار وی قرار دهد و این عمل آگاهانه نه تنها کرامت انسان منافاتی ندارد، بلکه در بسیاری از موارد موجب تعالی و کمال انسان نیز می‌گردد و عرف جامعه امروزی و بنای عقلا بر این کار ارزش خاصی قائل است.

خصیصه است که از دیگر موجودات جهان امتیاز یافته و آن عقلی است که به‌وسیله آن حق را از باطل و خیر را از شر و نافع را از مضر تمیز می‌دهد. اینکه برخی از مفسرین گفته‌اند مقصود از آن خصیصه مسئله (نطق و گوئی) و یا (بر دو پا راه رفتن) و یا (انگشت داشتن) و یا (قدرت برنوشتن) و یا (حسن صورت) و... می‌باشد، {صحیح} نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۵، ۲۱۵). آنچه مطابق دیدگاه فقها قابل استنباط است این است که چون، جسم انسان دارای جوهره خاص و ویژه‌ای است، پایین آوردن اعتبار ارزش انسان در حد کالا مغایر کرامت و خلقت انسان بوده و امری معقول نیست. زیرا عقل و عرف، چیزی را مال می‌داند که ارزش داد و ستد داشته و در بازار پذیرفته شود. اما اعضاء بدن و متعلقات بدن انسان این‌گونه نیست و به خود انسان تعلق ندارد، بلکه دخل و تصرف در آن حق اختصاصی خداوند متعال است، نه حق فردی مختص به وی تا بتواند هرگونه که خواست در آن دخل و تصرف نماید (میرهاشمی، ۱۳۸۵، ۵۴). بر همین اساس از دید برخی فقها: «بیع مو و استخوان انسان جایز نیست، نه به خاطر نجاست، بلکه به خاطر کرامت و احترام انسان و این عمل باعث ابتذال و اهانت به انسان است» (ابن احمد، ۱۴۲۷، ۱۵۵).

فقها، صرف استیلا بر مایملک را برای مشروعیت بر واگذاری کافی ندانسته (ابن احمد، ۱۴۲۷، ۱۵۵) و در واگذاری تخمک، کرامت انسان را در معنای موسع آن در نظر گرفته و بر این باورند که تکریم آدمی امر واحدی است که خداوند به نحو عام، همه

۵-۱-۲. فقدان مالیت عرفی و رابطه مالکیت

چیزی می‌تواند مورد معامله قرار گیرد که «مال» باشد. اما تخمک، «مال» نیست. از این منظر به فراورده‌های بیولوژیکی بدن، عنوان «مال» اطلاق نمی‌شود. بر این اساس، معامله این‌گونه معاملات به لحاظ «مال» نبودن مورد معامله باطل می‌شود. البته در پاسخ باید گفت درست است که ارزش اقتصادی شیء باید چهره‌ی نوعی و همگانی داشته باشد تا مال نامیده شده و معامله شود اما همین‌که چیزی در رابطه دو نفر ارزش مالی و داد و ستد داشته باشد، انگیزه معامله شکل گرفته و می‌تواند مشروع و عقلایی باشد «هرچند که دیگران در برابر موضوع آن بهایی نپردازند؛ کفایت انگیزه معامله، عقلایی و مشروع باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱۱).

در پاسخ این استدلال قابل طرح است که خیلی از معاملات زمانی شایع و مطابق با عرف نبوده اما رفته‌رفته پذیرفته شده است. عموم آیه‌ی «افوا بالعقود» در قرآن کریم و همین‌طور قاعده‌ی فقهی شروط که مقرر می‌دارد: «المؤمنون عند شروطهم» قراردادهای و معاملاتی را که در زمان شارع وجود نداشته و مرسوم و معمول نبوده است دربر می‌گیرد. برای صحت وضعیت حقوقی قراردادهای و معاملات مستحدثه عدم وجود نهی از طرف شارع کفایت می‌کند و لزومی به وجود دلیل خاص شرعی در این مورد نیست. بنابراین ملاک و معیار صحت هر معامله‌ای عدم منع شرعی در خصوص آن معامله است و متعارف یا نامتعارف بودن معامله نقشی در این ارزیابی ندارد و نمی‌توان بر اساس این معیار به

قضایات در مورد معاملات مختلف مستحدثه پرداخت.

۵-۱-۳. فقدان مالکیت

یکی از لوازمات خرید و فروش، مالکیت است. در حقوق اسلام، سه ویژگی برای مالکیت آمده است: الف) مطلق بودن: به این معنا که مالک حق هرگونه استفاده مشروع که از نظر عقلا، معقول باشد را دارد. ب) انحصاری بودن: یعنی فقط مالک و افراد مأذون از طرف او، حق بهره‌برداری از مال او را دارند. ج) دائمی بودن: یعنی فرد تا زمانی که مالک آن مال است، حق استفاده از آن را دارد (محقق داماد، ۱۳۹۵، ۱۰۷). با توجه به مطالب فوق نمی‌توان قائل به وجود رابطه مالکیت بین تخمک و صاحبان آن شد؛ چراکه ملاک‌های تعیین‌شده جهت وجود رابطه مالکانه بین آن‌ها و صاحبانشان مقرر نمی‌باشد. به این معنا که شاید رابطه تخمک‌ها و صاحبانشان را بتوان انحصاری و مطلق تلقی نمود، ولی وجود معیار مطلق بودن به‌هیچ‌وجه در این رابطه محقق نمی‌باشد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۸، ۵۱). قائل بودن به وجود رابطه مالکیت و به دنبال آن پذیرش ارتباط مطلق و همه‌جانبه صاحبان با تخمک با توجه به قابلیت بالقوه تخمک‌ها در تبدیل شدن به انسان امری است که خلاف اخلاق حسنه می‌باشد. باید رابطه تخمک آزمایشگاهی و انسان را نوعی رابطه سلطه و تصرف تلقی کرد. البته رابطه سلطه و تصرفی غیرمالی، تا قابلیت بالقوه تخمک در تبدیل شدن با انسان قابل جمع باشد. در واقع، پذیرش رابطه مالکیت بین تخمک و انسان،

حق انسان بر تخمک خویش، باید باملاحظه عرف و اخلاق صورت پذیرد و قانون‌گذار ایران بر اساس مصلحت و جلوگیری از آثار سوء عدم امکان باروری انتقال آن را در قالب اهداء پذیرفته است. فقط باید این قضیه را در نظر داشت که اهدای تخمک باعث نسل‌کشی انسان‌هایی با گزینش ژنتیکی خاص نشود. بنابراین باوجود حق سلطه و تصرف انسان بر تخمک، باید محدوده اخلاقی آن مدنظر قرار گیرد و اعمال این حق به‌خصوص از انتقال آن برای کسانی که واقعاً با مشکل ناباروری مواجه هستند، مورد استفاده قرار بگیرد، نه افرادی که خواهان داشتن فرزونی با خصوصیات برتر هستند. در پاسخ به اشکال فوق می‌توان چنین استدلال نمود که موضوعات حقوقی و موازین حاکم بر معاملات در قالب و زوایای توحیدی و الهی نمی‌گنجد. زیرا نگاه تعلق مالکیت خداوند بر انسان به سایر ابعاد زندگی قابل تسری بوده و در این صورت، انسان حق هیچ‌گونه معامله و مبادله‌ای نخواهد داشت. باید توجه داشت که خداوند، انسان را مختار و ذی‌حق آفریده است و در حیطه موازین و احکام شرع حق تصرف و اعمال مالکیت دارد.

۵-۲. دلایل موافقان

استدلال موافقان خرید و فروش تخمک عبارت است از:

۵-۲-۱. سلطنت انسان بر خود

قاعده تسلط از مشهورترین قواعد فقهی است و به علت کاربرد وسیع اقتصادی و اجتماع‌عاش، از دیرباز

این تالی فاسد را دارد که ممکن است منجر به تصور کالا شدگی تخمک شود، در حالی که با پذیرش وجود رابطه سلطه و تعریف غیرمالی انسان با آن‌ها، می‌توان از تصور کالا شدگی‌شان اجتناب نمود. به‌علاوه، پذیرش سلطه غیرمالی زوجین بر تخمک آزمایشگاهی منجر به محدودشدن اختیارات صاحبانشان نیز می‌شود. وجود این رابطه به این معنی است که زوجین قانوناً می‌توانند درخصوص ایجاد، فریز، انتقال، از بین بردن، استفاده از آن در تحقیق و یا قرار دادن آن در رحم تصمیم‌گیری کنند. در واقع رابطه سلطه و تصرف، در چهارچوب اخلاق حسنه و نظم عمومی قرار دارد (ابراهیمی و فاضل، ۱۳۹۱، ۱۲). لازم به ذکر است که انتقال جنین و نه تخمک در قالب اهداء که در قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ صورت قانونی به خود گرفته است، به معنی رابطه مالکانه نمی‌باشد. قانون‌گذار صرفاً بنابه مصالحی چون عدم از هم پاشیدگی خانواده دریافت‌کننده، چنین امری را جایز قلمداد کرده است و این امر مغایرتی با کرامت انسانی ندارد، بلکه برعکس، انتقال آن‌ها از اشخاصی که تمایل به داشتن آن ندارند، به اشخاصی که ارزش فوق‌العاده‌ای برای آن قائل هستند، کرامت بخشیدن به آن‌هاست. زمانی کرامت انسانی نقض می‌شود که بازار تخمک فروشی باز شود و یا به‌طور حرفه‌ای به تهیه‌کنندگان این مواد انسان‌ساز تبدیل شوند. درواقع، نظم عمومی نمی‌پذیرد که افراد با اهداف تجاری دست به این کار بزنند یا نهادهایی را به قصد تجارت این کار تسهیل کنند. بنابراین اعمال

از اساسی‌ترین قاعده‌های فقه اسلام بوده است. این قاعده تثبیت‌کننده ارکان مالکیت است و به علت جایگاه خاص اموال و مالکیت در زندگی روزمره مردم، اهمیت و برجستگی خاصی در بین سایر موضوعات دارد. از دید برخی فقها، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که می‌توان میان رابطه انسان با تخمک خویش، رابطه مالکیت برقرار است (خوئی، ۱۳۷۸، ۲، ۴؛ قمی، ۱۴۱۵، ۱۷۸؛ محسنی، ۱۳۷۷، ۲۱۷). به‌عنوان مثال از دید آیت‌الله خوئی رابطه بین اشخاص اعمال و نفس و ذمه آن‌ها را رابطه اضافی ذاتی تکوینی است و بر این عقیده است که: «شخص نسبت به امور مزبور دارای مالکیت ذاتی اولی است یعنی دارای سلطنت جهت تصرف در نفس خود و شئون خود است و وجدان و سیره عقلا حکم می‌کند که فرد بر عمل، نفس و ذمه خویش مسلط است و شارع نیز این سلطنت را امضا کرده و اشخاص را از تصرفاتی که مربوط به نفس آن‌ها می‌شود، منع نکرده است» (خوئی، ۱۳۷۸، ۲، ۴).

امام خمینی از شاخص‌ترین قائلین به این نظر هستند. ایشان می‌فرمایند: «سلطه مردم بر نفوس‌شان امری عقلانی است، پس همان‌گونه که انسان بر اموال خود مسلط است بر نفس خود نیز مسلط است و بنابراین در آن به هرگونه که بخواهد می‌تواند تصرف کند، اگر در این راه از نظر عقلا منع قانونی و از نظر شرع منع شرعی نداشته باشد و مردم از نظر عقلا همان‌گونه که مسلط بر اموال خود هستند، مسلط بر نفوس خویش نیز می‌باشند، بلکه در این زمان فروش خون و جسد جهت آزمایشات کالبدشکافی و آموزش‌های پزشکی بعد

از مرگ توسط صاحب آن متعارف و معمول شده است و دلیل این کار به خاطر همان سلطه‌ای است که از نظر عقلا فرد بر جسم خود دارد، پس سلطنت مردم بر نفوس‌شان عقلانی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۱، ۴۴). با توجه به عبارت حاضر، مرحوم امام مسلط بودن انسان بر بدن خویش را یک امر عقلایی نظیر سلطه انسان نسبت به اموال خود می‌داند و چنین سلطه‌ای برای انسان این حق را ایجاد می‌کند که هرگونه تصرفی را مگر در موارد وجود مانع قانونی و شرعی انجام دهد. ایشان با توجه به این که میان سلطنت و مالکیت تفاوت قائلند در ادامه اشاره می‌کنند که به ظاهر مالکیت انسان نسبت به بدن خودش مورد اعتبار قرار نگرفته است و لذا انسان نمی‌تواند مالک بدن خویش باشد، بلکه رابطه او با بدنش رابطه سلطنت است. آیت‌الله منتظری نیز تسلط انسان بر اموالش را دلیل بر تسلط او بر نفسش می‌داند و آن را با قیاس اولویت استنتاج می‌کنند: «پس هنگامی که ما این فرض را پذیرفتیم که مردم بر اموال خویش مسلط هستند، به‌گونه‌ای که جز در معصیت خداوند هرگونه که بخواهند بتوانند در اموال خویش تصرف کنند و تصرف در اموال دیگران بدون اذن و اجازه آن‌ها جایز نباشد، پس به طریق اولی باید پذیرفت که مردم بر نفوس خویش هم مسلط هستند. زیرا سلطه بر نفس و جان خود، به حسب رتبه بر سلطه بر مال مقدم است. بلکه علت و ملاک سلطه بر مال سلطه بر خود است؛ چرا که مال انسان محصول کار انسان است و کار او نتیجه فکر و قوای اوست و چون از جهت خلقت و تکوین، انسان مالک جان،

حج آمده است: «... او شما را برگزیده (و به دین خود سرفراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده...»، که حرج در هر دو آیه، به معنای تنگنا و سختی است.

این آیات و بسیاری از آیات دیگر بر این مطلب دلالت می‌نماید که قصد خداوند متعال بر راحت بودن کار بندگان است، نه بر سختی آن‌ها و بر تخفیف در رجال آنان بوده نه تشدید آن و به عبارت دیگر مقصود خداوند از مبدأ تشریح، رفع حرج از مردم بوده است و در اهداء تخمک حل مشکلات و رفع عسر و حرج در زندگی برخی زوج‌ها نهفته است و لذا در راستای خواست خداوند بوده و مخالفت با آن نوعی مصائب و عسر و حرج به دنبال دارد که با نص صریح آیات اشاره شده در تعارض و مخالفت کامل می‌باشد (المیض، ۱۴۲۵، ۳۰۱).

از طرفی یکی از ضرورت‌های خرید و فروش تخمک، لزوم انجام کارهای خیر است. این عمل مصداق بارز انجام اعمال خیر است که خداوند متعال در قرآن کریم بدان سفارش نموده است. خداوند در آیه ۴۸ سوره بقره می‌فرماید: «هرکس راهی است به سوی حق که بدان راه باید، پس بشتابید به سوی خیرات که هر کجا باشید همه شما را خداوند به محشر خواهد آورد، البته خداوند بر هر چیزی تواناست» و در آیه ۴۸ سوره مائده می‌فرماید: «اگر خدا می‌خواست شما را امتی واحد قرار می‌داد، ولی چنین نکرد تا شما را به آنچه داده است بیازماید. پس به کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید که بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را به آنچه اختلاف دارید آگاه خواهد

فکر و قوای خویش است در نتیجه مالک اموالی که از ثمره تلاش آن‌ها به دست می‌آید نیز می‌باشد» (منتظری، ۱۳۶۹، ۲، ۱۵۶). بر این اساس انسان حق هرگونه تصرف در نفس خود و متعلقات آن را دارد مشروط بر اینکه این کار دارای ممنوعیت عقلایی و شرعی نباشد.

۵-۲-۲. رفع عسر و حرج لزوم انجام کارهای خیر

واژه «عسر» متضاد «یسر» است و در معنای صعب، تنگ، دشوار، بدخو، مشکل، سخت و سخت شدن روزگار به کار می‌رود. این واژه در قرآن کریم، به همین معنا است، چنان که خداوند در آیه ۵ سوره شرح فرموده است: «مسلماً با (هر) سختی آسانی است»، یا در آیه ۷ سوره طلاق آمده است: «خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد». بدین ترتیب، معنای عسر عبارت از صعوبت، مشقت و شدت است که در فارسی از آن به دشواری و سختی تعبیر می‌شود. «حرج» نیز در لغت به معنای ضیق، تنگی، تنگنا، گناه و حرام است. در قرآن نیز واژه حرج به معنای ضیق، تنگی، سختی به کار رفته است، چنان که خداوند در آیه ۶ سوره مائده می‌فرماید: «... خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا افکند.»

در آیه ۱۲۵ سوره انعام آمده است: «پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند...». و یا در آیه ۷۸ سوره

۵-۲-۳. اصل برائت

از جمله دلایل موافقین قضیه اصل برائت می‌باشد. اصل برائت بر وضعیتی دلالت دارد که در موقع تردید برای مکلف تعیین مسیر می‌کند، بدون این‌که کوچک‌ترین جنبه نشان‌دهی از واقع را داشته باشد. مانند این‌که در موقع شک در این‌که آیا وظیفه‌ای به ما متوجه است یا نه؟ و ضمناً هیچ‌گونه دلیلی هم وظیفه مشکوک را اثبات نکند؛ در این صورت می‌گوییم اصل این است که شخص مزبور مکلف به آن تکلیف مورد احتمال نیست. در فقه اسلامی اصل مزبور را اصل برائت می‌گویند (جعفری، ۱۳۸۰، ۱۰۱). علما و فقهای مذاهب اسلامی برائت اصلیه (اصل برائت) را به‌عنوان منبع و پایه شناخت پذیرفته و اختلافی در آن ندارند (جناتی شاهرودی، ۱۳۷۰، ۱، ۴۲۴). اصل برائت در شبهات حمی قابل استفاده است. در شبهات حکمی برای رفع شک، باید به شارع مقدس مراجعه شود. شبهه حکمی زمانی پیش می‌آید که حکم موضوعی کلی معلوم نباشد. مثلاً ندانیم قطع و خرید و فروش اعضای بدن انسان زنده یا مرده حلال است یا حرام و در مقابل شبهه موضوعی زمانی است که حکم موضوعی کلی معلوم است ولی موضع خاصی از آن، مورد تردید قرار می‌گیرد. مثلاً می‌دانیم که قطع اعضای رئیس‌ه بدن انسان زنده حرام است اما نمی‌دانیم عضو مورد نظر جزء اعضای رئیس‌ه می‌باشد یا خیر؟ به هر صورت با توجه به اینکه در شرع مقدس دلیلی بر عدم جواز خرید و فروش تخمک به دست نرسیده و از طرفی در حکم واقعی امر نیز مدد هستیم، برای رهایی از تردید در حکم،

ساخت». اگرچه مصداق کلمه مشخص خیر در آیه اول مسئله، رو کردن به کعبه و در آیه دوم موارد اختلاف شرایع و ادیان است. اما اتفاق نظر مفسران بر این است که مقصود از کارهای خیر در این دو آیه منحصر در شأن نزول آن‌ها نمی‌شود (نظری توکلی، ۱۳۸۱، ۹۳). «خیرات» به‌صورت جمع و با الف و لام، به این نکته اشاره دارد که راه‌های خیر فراوان است و برای هرکسی در هر کسوت و پیشه‌ای باز است، اگرچه برای همه یکسان نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۷، ۴۵۷). و در این آیات موضوع (استباق) خیرات است، و خیر بودن کار موکول به نظر عرف است. بنابراین هر چند عرف، عمل صالح می‌داند، باید نسبت به آن سرعت گرفت، مادام که قانون‌گذار ما را از آن باز نداشته باشد. اگرچه که احکام و تکالیف شرعی و آنچه خداوند ما را به آن فرمان داده از مصادیق خیر است، ولی به نظر می‌آید دایره شمول خیر وسیع‌تر از آن‌هاست و مسلماً آنچه مخالف دین باشد، گرچه نزد عرف هم خیر باشد نمی‌تواند در نظر خداوند خیر باشد و از موضوع آیه حتماً خارج خواهد بود (نظری توکلی، ۱۳۸۱، ۹۵). اما در موضوع فروش تخمک می‌توان گفت چنانچه این کار باعث به وجود آمدن مفسده‌ای که در رأس آن ضرر رساندن به شخص دهنده تخمک نباشد از مصادیق بارز «خیرات» می‌باشد. چون که خیرات دارای معانی وسیعی است که مسلماً قطع عضو جهت نجات جان انسان‌ها و یا دیگر مقاصد عقلایی، در دامنه شمول آن قرار می‌گیرد.

طرف مقابل موافقان، بحث سلطه فرد بر تخمک، رفع عسر و حرج از امور دیگران و مواردی نظیر آن را مطرح می‌کنند.

از نظر مخالفان، مهم‌ترین مانع خرید و فروش تخمک این امر است که نمی‌توان رابطه مالکیت بین صاحب تخمک و تخمک برقرار کرد. درخصوص رابطه بین انسان و تخمک پذیرش رابطه مالکیت منجر به تصور کالاشدگی از تخمک می‌شود که به جهت قابلیت بالقوه تخمک در تبدیل شدن به انسان امری خلاف اخلاق حسنه می‌باشد. به نظر می‌رسد باید رابطه موجود را نوعی رابطه سلطه و تصرف غیرمالی بین انسان و تخمک قلمداد نمود. همچنین در بحث انتقال و واگذاری نیز نظم عمومی اقتضا می‌کند این اختیار منجر به شکل‌گیری نهادهای سودآور خرید و فروش تخمک نگردد و انتقال فقط طی ضوابط قانونی و به متقاضیانی که با مشکل ناباروری روبه‌رو هستند ارائه گردد نه کسانی که خواهان داشتن فرزندی با ویژگی برترند.

عمل اهدای تخمک که به صورت یک طرفه و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مالی انجام می‌پذیرد عملی است که بدون شک حاکی از خودگذشتگی و معنویت‌گرایی عامل می‌باشد. کسی که برای رهایی یک خانواده بشری از ورود و رنج ناشی از ناباروری حاضر است تخمک خود را اهدا کند نه تنها عملی را که موجب هتک حرمت انسانی تلقی شود، انجام نداده است بلکه انسان‌های دیگری را از غم و اندوه نجات داده و زمینه‌ی تحقق عملی رؤیاهای آن‌ها را فراهم کرده است. اما اگر فرد اهداکننده دارای

اصل را برائت گذاشته و می‌گوییم درخصوص خرید و فروش تخمک، حکم حرمت ثابت نیست و این کار جایز و مباح می‌باشد. در واقع در فقه نیز این نظر وجود دارد که «انسان در حال حیات و در صورت مصلحت و عدم نهی شارع می‌تواند هرگونه بخواهد با بدن خود رفتار کند و نهی شارع تنها در مورد قتل نفس وارد شده است و پایین‌تر از آن دلیلی بر حرمت جز حدیث لاضرر و لاضرار وجود ندارد (نایب‌زاده، ۱۳۸۰، ۵۰۳). عمل اهداءکننده هیچ‌گونه ضرری برای وی در پی نداشته و تأثیری در روند فعالیت‌های فیزیکی وی ندارد، پس مطابق با دیدگاه فوق می‌باشد. نظر به «عدم نهی شارع» در این خصوص و با عنایت به وجود مصلحت در انعقاد این‌گونه قراردادهای می‌توان حکم به جواز این عمل داد.

۶. نتیجه

بررسی‌های صورت گرفته درخصوص امکان خرید و فروش و تجاری‌سازی تخمک اهدایی بیانگر این امر است که دیدگاه‌های مختلفی در فقه درخصوص خرید و فروش تخمک وجود دارد که می‌توان به دیدگاه مخالفان و موافقان تقسیم‌بندی کرد. مخالفان عموماً بر مباحث اخلاقی که بایستی مورد توجه قرار گیرند از جمله اصل احترام به حیات و شأن و کرامت انسانی، چگونگی تعیین پیمان‌های مالی و شائبه سوءاستفاده و استثماردهندگان و افراد آسیب‌پذیر، تجاری شدن و خرید و فروش تخمک و خطر استثمار و بهره‌کشی از افراد آسیب‌پذیر از جمله زنان را مطرح می‌سازند. در

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

چشم‌داشت مالی است لازم است در قالب قراردادهای مشخص و به‌گونه‌ای صورت گیرد که انگیزه مالی برای اهداکنندگان ایجاد نشده و مانع از تجاری‌سازی اهدای تخمک شود. ضرر ناشی از اهدای تخمک که با تنظیم مقررات صحیح می‌توان تا حد زیادی آن را کاهش داد در برابر منافی که برای انسان و جامعه‌ی انسانی حاصل می‌گردد، به مراتب کمتر می‌باشد. به‌طوری که می‌توان نوعی مصلحت را در این خصوص در نظر گرفت. آنچه در این میان نگران‌کننده است، تغییر فرآیند دگردوستانه اهدای تخمک به فرآیند تجاری و ترغیب زنان برای پیوستن به این عرصه به‌ظاهر شغلی است. در مراکز درمان ناباروری اهدای تخمک به‌عنوان یک روش درمان ناباروری زنانی که در تخمک‌گذاری مشکل دارند، پیشنهاد می‌شود ولی قانون در مورد اهداکننده تخمک سکوت کرده است و حتی در زمره اهدای عضو از انسان زنده قرار نمی‌گیرد. هرچند قانون به‌طور کلی درباره اهدای عضو از انسان زنده نیز کلاً سکوت کرده است. تقریباً می‌توان گفت که مانند اهدای خون انتظار می‌رود که اهدای تخمک نیز بر اساس انگیزه‌های دگردوستانه انجام شود. درحالی که واقعیت با این انتظار متفاوت است. واسطه‌گری و دلالتی برای اهدای عضو یک امر شایع است که به اهدای تخمک نیز تسری پیدا کرده است. اهدای تخمک یک عرصه رهاشده و بدون ضوابط قانونی است که راه را برای فرصت‌طلبی و سودجویی عده‌ای از دلالتان و واسطه‌های اطراف مراکز درمانی باز کرده است.

منابع

- عباسی، محمود، رضایی، راحله، «مطالعه تطبیقی اهدای جنین از منظر فقه و حقوق پزشکی»، مجله حقوق پزشکی، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- فیضی طالب، عزیز، سلسله پژوهش‌های فقهی-حقوقی (پیوند اعضای بدن)، چاپ اول، قم، انتشارات قضا، ۱۳۸۸.
- قمی، محمد مؤمن، کلمات السدیده فی مسائل الجدیده، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- کردی، رضا، «تبیین قانون و آیین‌نامه نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و بررسی خلأهای قانون‌گذاری آن»، نشریه مجلس و راهبرد، شماره هشتاد و سوم، ۱۳۹۴.
- محسنی، محمد آصف، الفقه و المسائل الطبیه، چاپ اول، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۷.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، چاپ چهل و هشت، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۵.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، جلد اول، چاپ دوم، قم، مرکز جهانی اسلامیه، ۱۳۶۹.
- موسوی خمینی، البیع، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- مهدوی کنی، صدیقه، ذبیحی بیدگلی، عاطفه، حمزه خانی، سمیه، «بررسی فقهی حقوقی حق
- ابراهیمی، مهدی، فاضل، علیرضا، «نگاهی نو به پدیده جنین‌شناسی در تفسیر علمی آیات قرآن»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره چهل و دوم، ۱۳۹۱.
- ابن احمد، یوسف بن عبدالله، احکام نقل اعضاء الانسان فی الفقه الاسلامی، عربستان سعودی، انتشارات دار کنوز اشبیلیا، ۱۴۲۷.
- المبیض، محمد احمد، مصلحه حفظ النفس فی الشریعه الاسلامیه، مصر، مؤسسه المختار للنشر و التوزیع، ۱۴۲۵.
- جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی، چاپ اول، تهران، انتشارات تهذیب، ۱۳۸۰.
- جناتی شاهرودی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد هفتم، چاپ سوم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۵.
- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد دوم، نجف، مکتبه الحیدری، ۱۳۷۸.
- سبحانی تبریزی، جعفر، سیمای اقتصاد اسلامی، چاپ اول، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، ۱۳۷۸.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱.

